



مقامات شیخ حسن بلغاری

تصحیح و تحقیق
مریم حسینی، مریم رجبی نیا

مقامات شیخ حسن بلغاری



تصحیح و تحقیق



دکتر مریم حسینی
مریم رجبی نیا



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۶۶]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیات گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



مقامات شیخ حسن بلغاری



تصحیح و تحقیق دکتر مریم حسینی، مریم رجبی نیا
گرافیسٹ، طراح و مجری جلد کاوہ حسن بیگلر
صفحه آرا زینب نوریور جویباری
کوثر لیتوگرافی
آزادہ چاپ متن
حقیقت صحافی
۱۱۰۰ نسخه تیراژ
تابستان ۱۳۹۸ چاپ اول

ناشر

انتشارات دکتر محمود الفشار
خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف نسب
تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۶۶۴۰۵۰۶۲ دورنما: ۶۶۹۵۳۸۰۴-۵
تلفن تماس برای تعویلات کتاب در تهران و شهرستان ها
۶۶۹۵۳۸۰۴-۵



شورای تولیت



متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار



دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - دکتر محمد افشین وفاپی (مدیر عامل) - آرش افشار (بازرس)



دگذاشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار - کریم اصفهانیان
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب و واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر پیحی مهدوی - دکتر محمدعلی هدایتی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
مقامات حسن بلغاری.....	۳۳
باب اول: در احوال شیخ - قدس الله سره - از گاه ولادت تا وقت توبه و ذکر نسب و مولد و منشأ ایشان.....	۳۷
باب دوم: در احوال جذبه شیخنا و سیدنا - قدس الله سره - و معراجی که روح ایشان را بوده است.....	۴۵
باب سوم: در ذکر صحبت ایشان با مشایخ - رحمهم الله -.....	۶۵
باب چهارم: در ذکر نسبت و خرقه پوشیدن شیخ ما - قدس سره - و تربیت یافتن ایشان از شیخ شمس الدین رازی که شیخ شیخ ماست - قدس الله روحه -.....	۸۹
باب پنجم: در ذکر واقعات شیخ - قدس سره -.....	۹۹
باب ششم: در ذکر سفر کردن شیخ - قدس سره - به جانب اُروس و اسباب آن.....	۱۱۳
باب هفتم: در ذکر سفر کردن شیخ به جانب کرمان.....	۱۳۱
باب هشتم: در رسائل متفرقه که به جهت فرزندان نوشته اند.....	۱۴۹
باب نهم: در شرح واقعات اصحاب خلوت از لفظ مبارک شیخ در قلم آورده شد.....	۱۷۹

تعلیقات..... ۲۱۵

نمایه..... ۲۵۱

فهرست آیات..... ۲۵۳

فهرست احادیث و اقوال مشایخ..... ۲۵۷

فهرست ابیات فارسی..... ۲۶۰

فهرست ابیات عربی..... ۲۶۲

فهرست مثل‌های فارسی..... ۲۶۳

فهرست اعلام، اشخاص و قبایل..... ۲۶۴

مکان‌ها..... ۲۶۷

منابع..... ۲۶۹

مقدمه

صلاح‌الدین حسن نخجوانی مشهور به بلغاری (۶۰۵-۶۹۸)، از مشایخ صوفیه در قرن هفتم هجری قمری است. در نخجوان زاده شد، در بسیاری از شهرهای ایران و دیگر سرزمین‌ها زیست و در تبریز درگذشت. یازده ساله بود که در خوی به دیدار پیر سپیدنایل شد و این پیر آثار معرفت را در چهره وی مشاهده نمود (زینی، ۸۸۷: بند ۵). در بیست و سه سالگی به اسارت مغولان درآمد و هفت سال از زندگی خود را میان آنان سپری کرد (همان: بند ۶، ۷، ۹۵). حسن بلغاری در شهرهای مختلف مانند آروس (بند ۹۶)، بلغار (بند ۱۰۰)، کرمان (بند ۱۱۳، ۱۱۵-۱۱۷)، بخارا (بند ۱۰۳، ۱۰۴) و تبریز (بند ۶۹، ۱۳۱) اقامت داشت. پدرش خواجه عمر برنج‌فروش، از مشاهیر ثروتمند نخجوان بود. حسن بلغاری به دلیل اقامت طولانی در بلغار، به بلغاری مشهور شد. او نبیره شیخ عارف سلمان است که مقبره‌اش در قرن هفتم در درگزین همدان بوده و هم‌اکنون احتمالاً همان بنایی است که امامزاده هود یا امامزاده اظهر نامیده می‌شود و بنای آن مربوط به دوره ایلخانی است.

بنابر روایت محمد زینی، مقامات‌نویس او، حسن بلغاری از کودکی تجربه‌هایی روحانی داشته و رؤیاهایی مشاهده می‌کرده است و در سی سالگی به وادی عرفان و معرفت گام نهاده است. تجربه‌های عرفانی شیخ فراوان است.

از شستن دل وی در صحرا توسط فرشتگان (بند ۱۸) تا دیدارهای مکرر با پیامبر (ص) و دیدار با حضرت علی (ع) و ابوبکر و نوح و خضر و قارون و... در ضمن حکایتی ماجرای دیدار شیخ در کودکی با پیر سفید و چگونگی تبرک وی می آید (بند ۵). این حکایت یادآور دیدار عطار با مولانای نوجوان در نیشابور است. شیخ در جوانی به اسارت مغولان درمی آید اما به یاری هوش و ذکاوتش می تواند کم کم آنها را در خدمت خود گیرد و به بازرگانی بپردازد. حکایت هایی در مقامات آمده که با استناد به آنها می توان شیخ حسن بلغاری را شیخ بازرگان نامید. به نظر می رسد روی آوردن وی به عالم معرفت پس از حضور بر سر مزار شیخ حسین پروانان بوده است. در آن مکان بر وی حالات عجیبی می گذرد که می توان از آن تعبیر به معراج روح کرد. روح وی در این سفر از آسمان ها درمی گذرد و به سدرهالمنتهی می رسد. در آنجا با ساکنان آسمان ها دیدار می کند. حوران را می بیند و آواز ملائکه را می شنود (بند ۱۴). ظاهراً شیخ در محافظت انجام اعمال شرعی سختگیر بوده است و «عبارتی که خلق را در شبهه اندازد نگفتی» (بند ۱۶).

شیخ حسن دارای فراست بوده و وقایعی را پیشگویی می کرده است. در حکایتی ماجرای استجابت دعای شیخ برای باریدن باران نقل می شود (بند ۱۲۰). شیخ سال ها در نواحی مختلف ایران و گرجستان امروزی که شامل سرزمین های بلغار و اروس و آلبانیان می شود زیسته و به همین سبب با پیروان آیین مسیح حشر و نشر داشته است. در حکایت های شماره ۹۸ و ۹۹ کتاب چگونگی مباحثه شیخ با بزرگ رهبانان و ایمان آوردن وی و دیگر ترسایان آمده است. همچنین به دعوت شیخ، امیر مغول به وی ایمان می آورد و بر آیین مسلمانی از دنیا می رود (بند ۲۷).

در خلال برخی باب های مقامات به ویژگی های ظاهری حسن بلغاری اشاره شده است. مثلاً در باب ششم آمده است که: «روی مبارک ایشان سرخ و

سفید بود و قدی داشتندی تمام، نه بلند و نه پست و دو چشم مبارک ایشان چون دو سکوره خون بودی چنانکه هر که ایشان را دیدی از مسلمان و کافر بدانستی که از مجذوبان و برگزیدگان حق است و آواز ایشان چنان بودی که جمیع آوازهای خوش در جنب آواز ایشان پیدا نمی آمد و همچنین در هر عضوی از اعضای ایشان لطافتی بودی از حق که از جمیع خلق ممتاز بودندی» (بند ۱۰۴).

ظاهراً شیخ از حافظه ای نیکو و تیز برخوردار بوده است. خاطرات و یادهای دوران کودکی و حتی نوزادی خود را یاد می کند و حتی می گوید مامایی را که او را در تشتی شسته است به خاطر می آورد. به همین سبب است که خواجه عبدالرحیم پیر راهنمای وی او را از انجام دادن عبادات و ریاضات شدید باز می داشته تا مبدا خللی به حافظه وی وارد شود و از هدایت مریدان بازماند. «خواجه فرمودند چنین ریاضت سخت بر خویش منه که این را نه به ریاضت یافتی که شما حفظ به غایت خوب دارید و ما را دریغ می آید که ریاضت سخت نباید که فکر شما را بسوزد و دماغ شما خلل پذیرد و کسی را تربیت نتواند کرد و عزیزان از شما برخوردار نشوند. و می فرمودند که می باید که هر روز شما را کاسه ای شوربا و یا گوشت بخورید تا دماغ شما را تربیت کند و تقویت یابد و حفظ شما سالم باشد» (بند ۴۸). به همین جهت ریاضت و عبادت شیخ به قاعده و بدون رنجوری بوده است.

جز همین کتاب مقامات که محمد زینی یکی از مریدان و پیروان طریقت حسن بلغاری در مورد احوال و اقوال و مکاتبات وی نوشته، مهمترین اثر برای مطالعه احوال شیخ حسن کتاب *روضات الجنان* و *جنات الجنان* حافظ حسین ابن کربلایی است. در این کتاب کربلایی با استناد به مقاماتی که در دست داشته اطلاعات مفیدی در مورد حسن بلغاری در اختیار خوانندگان اثر خود

می‌گذارد. برخی مطالب آن کتاب در نسخه حاضر نیست که احتمال دارد مربوط به افتادگی‌های متن نسخه باشد. به هر حال وی نسخه کاملی از مقامات را در دست داشته و از آنها به همراه سایر اطلاعاتی که فراهم آورده بود استفاده کرده و احوال وی را نگاشته است. کربلایی از مکاتیب حسن یاد می‌کند و ضمن ذکر رابطه صمیمی میان وی و علاءالدوله سمنانی به نقل نامه‌ای می‌پردازد که حسن بلغاری خطاب به علاءالدوله نوشته و در آن وی را فرزند نامیده است و علاءالدوله نیز در پاسخ نامه‌ای دیگر نگاشته و ضمن خطاب وی با عنوان «پدرم» تمامی مناسبات احترام آمیزی را که مریدی می‌تواند در حق پیر خود بجای آورد در آن نامه آشکار کرده است.

هرچند کربلایی در روضات تمایل دارد که حسن بلغاری را، که دوبار در خواب حضرت علی^(ع) را دیده است (بندهای ۸۳ و ۱۲)، متمایل به مذهب تشیع نشان دهد (ص ۱۳۵) اما مذهب فقهی وی مطابق گزارش محمد زینی شافعی است (بند ۹۶). این شیخ بزرگ پس از نود و سه سال زندگی در تبریز وفات یافت و در مقبره سرخاب تبریز به خاک سپرده شد (رمزی، ۱۹۰۸: ۳۲۸-۳۲۹؛ کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۱۲۸-۱۴۵؛ منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۴۴، ۱۲۳؛ واعظ کاشفی، ۱۳۵۶: ۳۶۸). کربلایی محل دفن وی را نزدیک مزار بابامزید و در دره گراب می‌داند و می‌نویسد که بر مزار وی القابش را چنین بر شمرده‌اند: «هذه الروضة للشيخ العارف المحقق، قطب العالمين، وارث الانبياء والمرسلين، لسان القدس، ترجمان الرحمن، سر الله في الأرضين، غوث البرايا، خاتم المشايخ، صلاح الحق والملة والدين، الحسن بن عمر النخجواني - قدس الله تعالى روحه وزاد لنا فتوحه -» (کربلایی، ۱۲۹).

محمد زینی، مرید و معتقد شیخ حسن بلغاری، به خواهش یاران و مریدان دیگر پیر نامه‌ای با نام مقامات شیخ حسن بلغاری درباره او به زبان فارسی

نگاشته است.^۱ این اثر دستنویسی در ۱۲۰ برگ یا ۲۴۰ صفحه است. مؤلف این اثر را با تحمیدیه‌ای در ستایش خداوند و پیامبر و صحابه وی آغاز می‌کند. او پس از بیان دلیل نگارش کتاب، سه قسم برای مطالب آن در نظر می‌گیرد و آن‌ها را چنین نامگذاری می‌کند: قسم نخست، در تقسیم احوال شیخ از اوّل تا آخر، قسم دوم، در مکاتبات و رسایل شیخ و قسم سوم، در شرح واقعات مریدان. بنابر گفته محمد زینی دو قسم آخر به تمامی کلام شیخ است (زینی، ۸۸۷: بند ۲). البته این تقسیم‌بندی در متن رعایت نمی‌شود و کتاب دارای نه باب است. در ابتدای باب سوم (در ذکر صحبت ایشان با مشایخ) و باب نهم (در شرح واقعات اصحاب خلوت) مقدمه‌ای عالمانه درباره موضوع فصل نوشته شده است. مقدمه باب سوم از زبان شیخ است (بند ۳۲) اما درباره گوینده مقدمه باب نهم سخنی به میان نیامده است و احتمال دارد این مقدمه به قلم مؤلف باشد (همان: بند ۱۵۸).

در این اثر فصلی مربوط به کرامات پیر وجود ندارد و تنها در خلال برخی حکایت‌ها به کرامت‌های مادی و معنوی پیر اشاره شده است (همان: بند ۱۱، ۲۱، ۲۲، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۷). باب دوم این اثر بیان تجارب عرفانی شیخ است. باب سوم به صحبت حسن بلغاری با مشایخ اختصاص دارد و در خلال حکایات این بخش، اطلاعات مهمی درباره برخی مشایخ به خواننده داده شده است. باب چهارم در ذکر نسبت و خرقه پوشیدن و تربیت یافتن حسن بلغاری از شیخ شمس‌الدین رازی است و مؤلف معتقد است نسب خرقه شیخ حسن بلغاری به شیخ ابونجیب سهروردی می‌رسد (بند ۵۸). و باب پنجم در ذکر واقعات اوست. در خلال باب‌های دیگر نیز به واقعه‌هایی که شیخ دیده، اشاره شده است (بند

۱. پیش از این برای نخستین بار سید صادق سجادی در مقاله‌ای با عنوان «شیخ حسن بلغاری و مقامات او» به معرفی این نسخه و شرح احوال شیخ پرداخته بود (سجادی، ۱۳۸۵: ۳۳).

۲۸، ۳۱، ۴۱، ۵۷، ۶۷، ۱۰۲، ۱۰۳). برخی حکایات مربوط به بیان تجربه‌های عرفانی شیخ، به ذکر معراج وی اختصاص دارد (همان: بند ۱۴، ۱۵، ۱۸). تأویل بیشتر واقعه‌هایی که پیر دیده از زبان خودش در پایان واقعه آمده است: «واقعه‌ای می‌فرمودند که وقتی من خود را در واقعه دیدم که من بحری بودم که از هیچ جانب کنار نداشتمی الا از طرف مشرق و روی آن دریا همه چشم بودی و نکته می‌فرمودند که آنک از روی مشرق کنار داشت مخلوق بوده است اما آنک از جهات دیگر کنار نداشت ابدی خواهد بود و آنک همه روی دریا چشم بود، اشارت به مقام دید است» (همان: بند ۸۷). مؤلف در باب آخر این اثر که یکی از طولانی‌ترین ابواب است به شرح واقعات اصحاب خلوت از زبان شیخ می‌پردازد.

دو باب ششم و هفتم مقامات به بیان چگونگی سفرهای شیخ اختصاص دارد. برخی سفرهای شیخ به دلیل دیدن واقعه‌ای است و این امر بیان گر اهمیت روی دادن واقعه برای اوست (بند ۹۵، ۱۰۳). باب ششم در ذکر سفر شیخ به اُرس و باب هفتم در ذکر سفر شیخ به کرمان است و در خلال این ابواب از سفرهای دیگر او به مناطق دیگر مانند بلغار، بخارا و شیراز یاد می‌شود.

باب هشتم این اثر دربارهٔ مکتوبات و رسایلی است که پیر به مریدانش و افراد دیگر یا در جواب نامه آن‌ها نوشته است. دو مکتوب دیگر نیز خطاب به امام بدرالدین میدانی و عزیزالدین سنگانی (بند ۹۳، ۹۴) در باب پنجم آمده است. باب نهم بابی است که در آن شیخ واقعه‌های دیگر مشایخ را جواب می‌گوید و تفسیر می‌کند. در این باب پرسش‌هایی با عبارت «چه فرمایند اندر آنک یکی چنان دید...» آغاز می‌شود و در بند بعدی شیخ به تفسیر آن واقعه می‌پردازد و به آن واقعه پاسخ می‌گوید. نظیر این باب در دیگر کتاب‌های مقامات نایاب است و مخصوص مقامات بلغاری است. به طور کلی شیخ علاقه

بسیار به تفسیر و تعبیر هر ماجرای داشته‌است تا از اجزای آن ماجرا به عنوان نشانه‌هایی برای بیان عوالم باطنی استفاده کند. در جایی به تأویل واقعه‌ای می‌پردازد که در آن صاحب واقعه آیه شکستن بتان را می‌خواند و از دو پستانش شیر جاری می‌شود یا کسی می‌بیند که از میوه ممنوعه می‌خورد و دیگری فرود آمدن ماه و ستارگان را بر روی کتفش می‌بیند.

طولانی‌ترین باب کتاب باب هشتم است که مجموعه مکاتیب و مراسلات شیخ را دربر دارد. نثر این بخش پخته و رسمی است و اصطلاحات و عبارات عرفانی و علمی بسیار در آن به کار می‌رود؛ ضمن اینکه میزان آیات و احادیث این بخش نسبت به دیگر بخش‌ها بیشتر است. در این بخش هم شیخ باز به تعبیر و تفسیر وقایع می‌پردازد. جایی در تأویل فرستادن هدایایی چون نبات و نارنج می‌نویسد:

«امروز چون واقعات مریدان نوشته شد و شرح آن کرده آمد، در حال پیک شمارسید و نبات و نارنج آورد. گفتیم به وقت رسیدن و مناسبت که ما به این کار مشغول بودیم و شرح واقعات و خیالات مریدان می‌کردیم. اگر خواهند بر این نبات و نارنج، کتابی بنویسیم. وقتی مولانا رضی الدین سمرقندی -رحمه الله- به نزدیک ما شانه و مسواک فرستاد. گفتیم شأن عارفان آن است که از ما سوی الله مسواک کنند. اکنون تأمل کن که چندین رنج کشیده‌است که او بدین جا رسیده که نبات شده تا بدانی که کار می‌باید کرد و رنج می‌باید کشید تا به گنج برسی» (بند ۱۴۹). در میان این نامه‌ها جای نامه‌ای که حسن بلغاری در پاسخ به نامه علاء الدوله سمنانی نوشته خالی است. این نامه و پاسخ علاء الدوله به آن در مصنفات فارسی علاء الدوله سمنانی صفحات ۳۵۳ تا ۳۵۸ آمده‌است. «علاء الدوله حسن بلغاری را بسیار دوست داشته و در نامه‌هایی که

به یکدیگر می‌نوشته‌اند و اوقاتشان را به اطلاع یکدیگر می‌رسانیده‌اند» (علاءالدوله سمّانی، ۱۳۹۰: چهل و نه). در چهل مجلس علاءالدوله سمّانی به این دوستی و مکاتبات اشاره شده است:

«فرمود که شیخ حسن بلغاری را دوست داشتی و در میان ما مکاتبات بودی و واقعات خود به من نوشتی و در آخر از کرمان بیرون آمد و خواست که اینجا آید و شنود که ما در بغدادیم و به آن طرف می‌آمد و به تبریز افتاده آنجا بماند و او مجذوب بود و شصت و نه سال در مقام جذب بود که از متابعت سنت قدم بیرون نهاد و این مجذوب نادر بود» (همو، ۱۳۶۶: ۲۱۵-۲۱۷).

در باب پنجم کتاب انواع واقعه‌هایی که شیخ تجربه کرده، درج شده است. بیشتر این واقعه‌ها از نوع تجربه‌های شبه‌حسی هستند که شیخ به پنج حس خویش آنها را ادراک کرده است؛ شنیدن آواز و غلغله آسمان و انبیا (بند ۷۳)، بلعیدن عالم و عالمیان (بند ۷۴)، بوسیدن پیامبر حلق و لب شیخ را (بند ۸۲) و موارد بسیار دیدار پیامبر - صلی الله علیه - و سایر پیامبران و فرشتگان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل....

شاید از برجسته‌ترین وجوه اهمیت مقامات بلغاری نام دسته‌ای بزرگ از عارفان آن روزگار است که شیخ شرف مصاحبت ایشان را داشته و درباره برخی از ایشان حکایاتی نقل می‌کند. خواجه عبدالرحیم، بابامزید، شمس‌الدین محمد رازی، شیخ فضلون، بابا فرج و شیخ محمد خسرو شاه از این دسته‌اند.

ویژگی‌های اخلاقی پیر مانند پابندی به حدود شریعت، دوست داشتن رنگ سپید و لطف و بخشاینده‌گی شیخ در بخش‌هایی از این پیرنامه آمده است (بند ۱۶، ۲۳، ۳۱). در برخی بخش‌های این اثر از زنان یاد شده است و حتی زنان در واقعه‌هایی که شیخ می‌بیند حضور دارند (بند ۱۱۶). در باب هفتم ترکان

خاتون در زمرهٔ مریدان حسن بلغاری قرار می‌گیرد (بند ۱۱۸، ۱۱۹). در باب هشتم نیز نامهٔ لطف‌آمیز و محترمانهٔ شیخ خطاب به پادشاه خاتون درج شده‌است (۱۳۹). این اشارات جایگاه والای زن رانزد پیر نشان می‌دهد.

در بسیاری حکایت‌ها شیخ تعبیری نشانه‌ای و نمادین از اشیا و موقعیت‌ها یا رفتار اشخاص دارد. وی تلاش می‌کند تا از ظواهر حال به بواطن آن پی ببرد. برای مثال می‌توان از حکایتی یاد کرد که شیخ همراه کاروانی بوده‌است و جز مهتر کاروان که فقط آب تتماع برای او می‌آورد کسی به او غذایی نمی‌دهد. در این سفر کاروانیان به دست راهزن‌ها کشته می‌شوند جز همان که به شیخ آب تتماع داده‌است. راهزنان اموال او را غیر از پاره‌ای مروارید که با خود داشت، سرقت می‌کنند. شیخ در اینجا نتیجه می‌گیرد که آدمی و مروارید هر دو از آب آفریده شده‌اند و به همین جهت مروارید برای مرد بازرگان باقی ماند که به شیخ آب خورنده بود و اگر تتماع نیز افزوده بود قماشش نیز دزدیده نمی‌شد. در باب سوم نیز چنین می‌گوید: «شیخ فرمودند که یکی از مشایخ دو تاه نان پیش من فرستاد. یکی فطیر و یکی با مایه. من دانستم که آن نان با مایه اشارت به این است که آن کس تربیت مشایخ یافته‌است و نسبت مریدی به ایشان درست کرده و آنک مایه ندارد و فطیر است به منزلهٔ کسی است که تربیت شیخ نیافته‌است و خرقة از مشایخ ندارد» (بند ۵۷).

مقدمهٔ مقامات بلغاری شاعرانه و ادبی نوشته شده‌است و مؤلف از آرایه‌هایی مانند تشبیه، تضمین از آیات، جناس و سجع استفاده کرده‌است: آن جهان را طلسم گنج معرفت گردانید (بند ۱). دست تقدیر سمات مائدهٔ علم من لدنی را برداشت و آفتاب حقیقت از آسمان به مغرب کُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ فرورفت (بند ۲). درود بی‌شمار بر صحابهٔ جانباز و اتباع و اشیاع او... (بند ۱).

اخوان صفة صفا و رقعة طریقه وفا بودند (بند ۲). اما متن مقامات در بیشتر بخش‌ها نثری ساده و بی‌تکلف دارد و مؤلف آیات و احادیث فراوانی را در بخش‌هایی که از زبان شیخ نقل شده، آورده‌است. در این اثر، بیتی به زبان عربی سروده ابوالعتاهیه (بند ۱) و بیتی از اخطل (بند ۱۵۲)، و چند بیت فارسی از فردوسی (بند ۱۴۷)، سنایی (۳۲، ۱۵۵، ۱۵۶)، نظامی (بند ۱۴۸) و شاعرانی ناشناس دیده می‌شود (بند ۴۵، ۵۴، ۶۲، ۹۲، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۸۱، ۱۸۸). این بیت مشهور سنایی «سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب / لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن» که در بیشتر کتب ضبط شده‌است در آغاز بخش سوم کتاب می‌آید.

وجود الفاظ و واژه‌هایی که احتمالاً از زبان ترکی و ترکی مغولی یا تاجیکی به متن راه پیدا کرده‌اند؛ مانند اورطاق (بند ۳۴)، دسپانه (بند ۳) و شیو (بند ۱۲۷)، ۱۶۸) نثر کتاب را خواندنی و جالب کرده‌است. در مقامات بلغاری تعدادی ضرب‌المثل آمده که گویا بر زبان شیخ جاری شده‌اند. ضرب‌المثل‌هایی چون آواز دهل شنیدن از دور خوش است (بند ۳۵) یا اگر در خانه کس است یک حرف بس است (بند ۱۸۹). همچنین در این پیرنامه، اصطلاحات، تعبیرات و کنایاتی خاص و تازه از زبان شیخ یا دیگر مشایخ ذکر شده‌است؛ مانند دهان گشودن دال دعوی، لب بر هم نهادن میم معنی، وجود نمک صدق در غذا (بند ۳۵، ۳۶) و امثال آن. در جایی نیز برای توضیح حال روحانی از اصطلاحات تجاری و بازاری استفاده کرده‌است: «و شیخ - قدس سره - می‌فرمودند که مرا حالتی در سماع پیدا شد. وقت باشد که آن حالت همه روحی باشد یعنی هیچ نفس را در وی مدخل نبود و این نادر بود. اما بیشتر آن بود که ممزوج بود، چنانکه بعضی را نیمه‌ای حال روحانی بود و نیمه نفسانی و بعضی را چهاردانگ روحانی بود

و دو دانگ نفسانی و بعضی را پنج دانگ روحانی بود و دانگی نفسانی و علی
هذا القیاس عکس این» (بند ۴۶).

شیخ در سخنوری طنازی‌هایی دارد که در جای خود خواندنی و شنیدنی
است. برای مثال وقتی جماعتی برای تفحص حال وی به مسجد جامع شهر
می‌آیند وی برای ایشان سه کرامت از کرامت‌های خویش را بازگو می‌کند.
یکی آنکه اگر کسی چیزی در دست گرفته باشد تا آن‌را به من ننماید و دست
باز نکند، من ندانم که آن چیست و دیگر آنکه اگر کسی در پس دیواری باشد
تا از آنجا به نزدیک من نیاید و در مشافهه نایستد، من ندانم که کیست و دیگر
آنکه اگر در دیگری چیزی پخته باشند تا سر آن را برنگیرند، من ندانم که در
وی چیست.

مقامات شیخ حسن بلغاری منبعی ارزشمند برای شناخت عارفی است که
در دوران حکومت و سلطه مغول‌ها در ایران زیسته و سال‌ها با ایشان به
صورت‌های مختلف حشر و نشر داشته‌است. از طریق این مقامات نه فقط
زندگی‌نامه عارفی از قرن هفتم هجری با ویژگی‌های منحصر به فردش به
دست می‌آید، بلکه می‌توان اطلاعاتی در مورد تاریخ و جغرافیای آن دوران و
عالمان و بزرگان آن کسب کرد.

مشخصات دستنویس مقامات بلغاری

مقامات شیخ حسن بلغاری به خط نستعلیق ریزی نگارش یافته‌است. عنوان
قسم‌ها و سرلوحه‌های دیگر با جوشه نوشته شده‌اند با چرمی قهوه‌ای‌رنگ
ساخت ماوراءالنهر (موجانی، ۱۳۷۷: ۲۲۹). این اثر به شماره ۴۰۳۶ در انستیتوی
آثار خطی تاجیکستان نگهداری می‌شود و دارای ۱۲۰ برگ است که صفحات
سمت راست و چپ هر برگ با حروف الف و ب نشان‌دار شده‌اند.

ویژگی‌های رسم الخطی و سبکی مقامات

متن مقامات بلغاری از ویژگی‌های رسم الخطی ویژه‌ای تبعیت می‌کند که معمول نگارش نسخه‌های خطی همین دوران است. در متن حاضر به جهت کمک به روان خواندن متن، در برخی موارد شکل رایج امروزی جایگزین شد. برای مثال خانها به خانه‌ها و پوسه به صورت بوسه ضبط شد. در مواردی هم آن مشخصات به همان صورت باقی ماند، مثلاً عدد شست به همین صورت با سین ضبط شده بود که حفظ شد.

در اینجا برخی ویژگی‌های رسم الخطی نسخه مقامات می‌آید:

- واژه‌ها در بیشتر صفحات این اثر بدون نقطه نوشته شده‌اند.

- حذف‌های غیر ملفوظ هنگام اتصال به نشانه جمع «ها»: و آن وعده‌ها را به وفارسانیدمی: وعده‌ها به جای وعده‌ها (بند ۹). آن همه خرگها و خیمه‌ها در ریود (بند ۲۸). خرگها به جای خرگه‌ها آمده‌است.

- قرار دادن همزه به جای یای نکره در پایان واژگان مختوم به های غیر ملفوظ: آلا پاره مروارید که با خود داشت (بند ۳۰). پاره به جای پاره‌ای آمده‌است.

- اتصال حرف اضافه به اسم پس از آن: بدست من افتاد: بدست به جای به دست به کار رفته‌است (بند ۹).

- ضبط پوسه به جای بوسه: بر حلق من پوسه دادند (بند ۸۲).

- ضبط عدد شست با سین: عمر پیغامبر - صلی الله علیه و سلم - شست و سه سال بوده‌است (بند ۹۲).

- آوردن ب بر سر فعل ماضی: در آن حال از آن سودا باز آمدم و بر فتم (بند

- وجود جملات کوتاه: روزی نعلینی آوردند، آن را نیز پوشیدند و باز بیرون کردند و فرمودند همان نعلین کهنه که داشتیم بیارید (بند ۱۵۵).

- آوردن یاء در انتهای فعل ماضی: ایشان همه پیامدندی و طلب وعده کردند (بند ۹).

- آوردن پیشوند میان نشانه استمرار و فعل: در خدمت شیخ می درآمده (بند ۳۶).

- به کار بردن فعل مضارع به جای ماضی: می بینم در واقعه که دزد کالا را می برد (بند ۳۱).

- به کار بردن واژه چندینی به جای تعداد زیادی: چندینی از دانشمندان مرید او شده اند (بند ۱۱۸).

- به کار بردن صفت به جای اسم: از آن رنجور پاک گردد (بند ۴۷).

- به کار بردن واژه هایی مانند آنکه و چنانکه بدون های غیر ملفوظ: من گفتم از آنک نمک صدق با وی است (۴۸/ب). چنانک شیخ منصور و شیخ جنید می فرموده اند (بند ۱۸).

- نگارش فعل ماضی نقلی با حذف «ها» و «الف» در برخی موارد: گفت حسن! ستاره ای بر آمدست (بند ۷۷). هر که را این کلمه مشکل شدست خضر وقت است (بند ۱۸۹).

- وجود واژه هایی مانند حرفت که اکنون با های غیر ملفوظ نوشته می شود، با آوردن ت در آخر واژه: حرفت ایشان تجارت بودی (بند ۳).

- به کار بردن افعال و ترکیباتی خاص مانند هیبت خوردن به معنای ترسیدن: همه مغولان از آواز من هیبت خوردندی (بند ۱۴). ستانا به معنای به پشت: در این حال ستانا خفته بودم (بند ۱۴). بریدن به معنای سخن بریدن و قطع

کردن سخن: هان تا نبری که خواهی رسید (بند ۱۴)، افتادن به معنای اتفاق افتادن: اگر مرا افتادی (بند ۳۱). اندیشه خوردن به معنای نگران بودن (بند ۱۰۱) و گذاشتن به معنای کنار گذاشتن: سخن حق را نگذارم (بند ۵۶).

- به کار بردن نباید به معنای مبادا: بعضی از درویشان گفتند که نباید که در شهر چنان آمده باشد (بند ۱۲۰).

- استفاده از مثل برای توضیح مطلب: آواز دهل شنیدن از دور خوش است (بند ۳۵). اگر در خانه کس است یک حرف بس است (بند ۱۸۹).

- به کار بردن فعل امر بویینید به جای بینید: بیایید و بویینید که خواجه سخنانی می آورد که من هیچ نمی دانم (بند ۱۱). این ها را بویینید (بند ۱۳۵).

- به کار برن مصدر باشیدن به جای بودن: مدّتی در بخارا باشیدن (بند ۱۱۵)
- به کار بردن حرف اضافه به به جای با: تو به این دختر از پس ما بیا (بند ۷). با چندان معجزه با پیغامبری قبول نمی کردند (بند ۱۵). اکثر مفتیان که به شیخ سیف الدین مخالفت می کردند... (بند ۱۰۶).

- به کار بردن هرچگاه به جای هرگاه: هرچگاه در راهی رفتمی، من سر اسب کشیدمی (بند ۹).

- به کار بردن شباروز به جای شبانه روز: سه شباروز ذکر می گفته است (بند ۱۸).
- اتصال ان جمع مربوط به مضاف در انتهای مضاف الیه: یکی از دانشمند مغولان که او را قام می گویند، بیامده است (بند ۱۸). دانشمند مغولان به جای دانشمندان مغول به کار رفته است.

- به کار بردن دوتاه به جای دوتا: دوتاه نان (بند ۵۷).



صفحه اول نسخه



صفحه آخر نسخه

شیوه تصحیح و شرح کتاب

در تصحیح این متن یگانه نسخه‌ای که در دسترس بود همان نسخه محفوظ در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان به شماره ۴۰۳۶ است. در پیاده کردن متن دقت بسیار شد تا به نگاشته محمد زینی نزدیک شود. هرچند به سبب به هم ریختگی و از بین رفتن برخی صفحات تنظیم متن بسیار دشوار می نمود با این حال تلاش بسیاری صورت گرفت تا پاره‌های از هم گسیخته بر سر جای خود بنشینند و توالی و نظم کتاب برقرار خویش باز آید. در مواردی که متن افتادگی داشت در پاورقی توضیح داده شد. تنها کتابی که به خوانش صحیح برخی واژه‌ها یا نام اشخاص یاری رساند کتاب *روضات الجنان و جنات الجنان* حسین کربلایی بود که اطلاعات مستوفایی را در مورد حسن بلغاری در خود جای داده و ظاهراً مؤلف نسخه‌ای از این مقامات را در اختیار داشته است.

تقسیم متن به بندهای شماره گذاری شده توسط مصححان، کار تصحیح و شرح و طبقه‌بندی مطالب آن را ساده تر نمود. تمام عنوان‌هایی که در بالای بندهای کتاب قرار گرفته از مصححان است. در عنوان گذاری تلاش شد تا محتوای آن بند از کتاب خلاصه شود و پیش چشم مخاطبان قرار گیرد. با توجه به آشفتگی صفحات دستنویس در هر بندی نشانی شماره صفحه آن با ذکر راست یا چپ بودن آن با حروف الف و ب آمد. شماره سوره و آیه تمام آیات مندرج در متن استخراج و در جلوی آیه درون متن افزوده شد. برای ترجمه آیات از ترجمه بهاالدین خرمشاهی استفاده شده و آن ترجمه در پاورقی مربوط به آیه جای گرفته است. مأخذ تمامی احادیث منقول در متن جستجو و در بخش تعلیقات درج شد. از موارد قابل توجه کتاب زینی نام برخی مشایخ صوفیه است که تاکنون در مورد ایشان اطلاعاتی در دست نبوده است. برای

یافتن آنان به کتاب‌های تذکره و اعلام رجوع شد و اگر درباره فردی اطلاعی یافته شده در تعلیقات آمده است. در تصحیح متن برخی موارد معدود که به نظر می‌رسید کاتب در نگارش دچار سهوی شده است از تصحیح قیاسی استفاده شد. این موارد که گاه با افزودن یا کاستن حرف یا کلمه‌ای صورت گرفته بود در پاورقی توضیح داده شد. «تا» علامت اختصاری نسخه تاجیکستان است که صورت متن کاتب را نشان می‌دهد. در این کتاب گاه استشهاد به برخی ابیات فارسی یا عربی شده بود که تلاش شد تا گوینده آن ابیات پیدا شود. خوانندگان برای مطالعه این یافته‌ها می‌توانند به بخش تعلیقات کتاب رجوع کنند.

باتوجه به اهمیت کتاب در دربرداشتن نام بسیاری از مشایخ صوفیه بنابر این شد تا در هر بند هر گاه نام شیخی برای بار اول ذکر می‌شود درشت تر نموده شود تا خوانندگان با نام مهم‌ترین مشایخ آن دوره آشنا شوند.

در پایان لازم می‌دانم از خدمات شایسته آقای دکتر محمد افشین وفایی، مدیر انتشارات دکتر محمود افشار، و آقای دکتر مهدی فیروزیان، ویراستار بنیاد، که با مطالعه متن نکات ارزشمندی را گوشزد کردند سپاسگزاری کنم. همچنین از آقای بهروز ایمانی پژوهشگر و نسخه‌شناس برجسته، که این نسخه را در اختیار مصححان قرار دادند، قدردانی و تشکر می‌کنم.

مریم حسینی

مهرماه ۱۳۹۷